

قطعت خط :

قَالَ عَلَىٰ عَلِيٍّ السَّلَامُ وَحْدَهُ الْأَعْرَاضُ الْجَانِبُ

فَلَا مِنْ سُفِيفٍ وَلَا غَفُوكَ الظَّفَرُ السَّلَامُ مِنْ أَعْدَاءِ

وَلَا سَنَسَةُ الْهَذَاقَةِ أَصْدَمَتْ لِلْمُحَاجَفَ

فَإِنَّ الشَّاهِمَوْلَاهَ كَمْ بِالْغَلَبِ

أَطْلَبُوا الْعِزَّةِ وَكَمْ كَسَلَ فِي

ابْعَدُ الْخَيْرَ عَلَىٰ أَهْلِ الْكَسْلِ

قِمَةُ الْإِسْنَافِ تَسْكِنُهُ أَكْثَرُ الْإِسْمَانِ مِنْ هَلْكَلِ

طبعات خط :

الْيَقَاءُ سَبِيلُكَ مَلِئْتَ هَذَا كَهْرَبَةً  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

أَحَدُ الْيَسِيرِ هَذِهِ حَرَجَتْ عَلَيْهِ  
 حَمْمَةُ الْمَرْبَدِ

هُنَّ أَسْوَادُ الْمَلَائِكَةِ يَقْرَأُونَ  
 هُنَّ حَسَانٌ عَمَّا يَقْرَأُونَ هُنَّ الْعَالِقُونَ

يَحْوِي الْأَوَّلَيْنَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 وَفِيهِمْ مَنْ يَأْتِي بِالْمُنْذِرِ

وَمَنْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

## کتیبه‌نگاری

کتیبه‌نگاری بسته‌ای از پادشاهی یا رئیسیان مبنی کرده‌اند (\*). وقتی مانظره کتیبه‌ای پشت  
بکریم مطابقت آزادا معنی لغوی متوجه شویم که پیشون سواره نظام در حال رژه دیده می‌شود. فریشتاده کاتیبه  
آن راهی ششیر و نیزه دار پچهای بخاطر می‌آورد. کتیبه را می‌گردانند که سیاق فارسی، کتابه هم گفته‌اند و آن عبارت  
خطوط داشت و بیل است که از روی کاغذ و زست کات بصفات کاشی‌فضل و بر سرده و پیاره و خرابهای به  
دکانهای مقدس و بنایهای معم و دیگر قرار گرفته و نگیرد. و یا به داده و ضرائج اکنون احتساب نیزگر. بر روی میان وظایفات  
چوب غزه نوشسته و رضب شد است.

نوشته هر نوع خط از افع خطوط هسلامی بجهود کتیبه‌گران است. و از این‌گهی کتیبه‌ای کوفی، شکل مجعّل بسته‌علق ای  
از دور زمان تاکنون در بنایی باستانی می‌گردیم و این فن در صدر اسلامی رایج بوده‌است. و هنگامه تا امروز  
تمعاو زیادی از اینکنون بجهله و مخفف شیخ و شیخ و عیان نوشته است. ولی خط شکل دکار کتیبه از زمانهای قدیم تاکنون  
بیشتر از داشته است. و این به این‌جهت است که ظرفیت با کاشی‌کاری و هرجایی نهادنی و نگاه برگشتنی فراهم نیزگر  
که خطوط دیگر پایان آن نمیرس و چون خط شکل داشت از این مبالغات گرم گوناگون از فاصله در حجم پرتر و پیشکوهر است.  
غصب کتیبه ای با این خط نوشته و دیده می‌شود.

کتیبه‌ای شکل در بنای و آثار باستانی دکشیده می‌نمایند فراوان بوده‌اند. آیات قرآنی و احادیث نبوی یا اشعار  
و مخادر از دور و دور آن بنای جلوه‌گری می‌گذند. و مخفیت امر، ایمان و تقدیره با هسته خط و نهادنی دکاشی‌کاری.  
وست بهم واده و بخشی باز هست و دلخواه ساخت. کوی بوجو او دره داشت.

در شهرهای سیم کشور ایران کتیبه‌ای از زمان سعید قیان و گیوران نخست‌وزیر و پسر احمدی بجا مانده است از تعاویش کتیبه  
برده و باده بعد از خود معلوم شکرده که بزیمی عصر صفوی بدوهای پیشین برتری دارد و ترقی این نزه مشود است.

(\*). الكتبة الفعلة من المحبش أو المعاقة من القيلج كاتب «المفرد». - الكتبة على ضيـلـه: الطـلاقـ من المحبـشـ وـ المـعـاقـةـ كـاتـبـ «ـ بـعـدـ الـعـبـرـ».

این کیتیبه در این نزد همی کامل و مترقبه ای عالی همان را برای کیتیبه نگاران و دره های اجداد است که امروز از آنها پژوهی می شود.

کیتیبه نگاران امامی و نگاران عده صفوی: حافظ هرودی، صحنه بزرگی، نظام سدهانی، علی ضحا خراسانی، عبد الباقی تبریزی، محمد صالح صهانی، محمد رضا امامی صهانی، باقر بنی، محمد حسن امامی، علی عقی امامی، عبد الرحمن جزا ازی بوده اند که نگاران در این شخصیت های هنرمندان دیده می شود. بعد از این هنرمندان یکی از نام محمد باقر شریف شیرازی که در زمان قاجاری بوده نیز نگاری را بپایه دعا بر زمان صفوی رسانده و آثار انسپوشنگ زیادی در هنرمندان بسیار گذاشته است (دستور نیمه و نیمه نهاده و مسجد حینخان و مسجد زرگن المکاب و خیره).

## طریق نگارش کیتیبه

معمولاً دین برگزنشتن کیتیبه، دیجت طول و بساحت پنجه هاست که برای اطراف در فرودگاه و مهاباب، در درب و در میان و در مردم و غیره تهیه می شود. ولی کاملاً نکات ازدواج و قطعه؛ فی مبنای سنت محل نیز بخط ثُغث و غیره نوشته و نمایشند که آنهم از اقسام کیتیبه بشمیرانی است. و در هر حال و هر قسم تخلط علاوه بر عایت کامل قاصد، باید بکیتیبه نگاری درست و تسلط کافی داشته باشد و آن مصول ترین و تجربه زیاد است. و نیز باید با اند که قلم کیتیبه از صد و زوشنها هم مول و هر عذر میگذارد و تسلیعی جداگانه و خاص لازم دارد. کسی داین کار موافق نمی شود که هنر و ملکه نیز هشتگری مسخر کلار به چنان توان امداد و پوک کیتیبه بخواهد. هم باید و در هر کلد و شکلی ایجادی خود بشناسد، و رعایت خلوت و جلوت و سایر جهات سوزنی آنرا جاید، و نکات زیر امری وارد:

- ۱- عبارات یا جاری را که باید در نیزه چندین ستری با در شرکه موجون و با شکال بندی ذمر عبارات مستحبه است و اینا غیره بجزیست، چنان محدود و معین است. حساب طول و عرض جا، و درشت و درینی قلم لازم است که از روی حساب و نیز ان اکن و مقایسه کوچکتر بست آورد و بآماده کردن کیک (کرکی) و متن کیتیبه بتجاذب و آنکه که خاطر بین شد یعنی مطابق کنگره در شدن و قرص معلم سازه، و یا با استلزم و رکب قیق روی ماده بتویس. و در این صورت از نیزه بینی نگاشتن

باقم و مرکب اصلات خط و گردشها می توان آن بترتیب هر میشه (۴۰) هست که نهایت میله را در بخار بروش کنند  
تموز خطا شد معمول از مخلوط کنند از میان ۱۰ (مرسین) و زدنها (عن دن) داده است  
ویکات وغیره کامیک دایخا و کام دایخا بهتر نمایند. چنان که و عجب و شتاب براندارد. و در گذشته اینجایی  
از افزایش این معمول و سیچ محلات نگاه رکود و قوت هر دوستی از مضافات آن بیرون آمده که این از جایی برداشته  
میون باشد بخت و گاه لازم میشه که حریق یا گلزاری را مقدم نگذارد تا جایی که محلات قبل از آن مینگردد.

۲- اگر کتیبه محلاتش در دور دینه رشته میشه و کامی از ظرف موقعيت با و از لحاظ جوده ناچار در سر و ایضای  
قرار گذشده که اینست کاره بخت کتیبه و بار بر میشود و برا می تینیم و دینه اینیم ظرف گشته از است. و هر گاه زیست یا چهارمه میشه  
کتیبه که بنده می فارمده بگنجایند محلات محاج و قوت بیشتر است. و صورتی که بنده تسلیل میشود که یا، های غفرانه آندر و همچنان  
وجود و اشتباش تا بجز از بازنشستن مکوس آنها (اید راجد) که بنده تسلیل میشود. در این مرد به ای اول خطوط (خط گزندی)  
بکش و بعد از آن هر دفع و محلات را در ملاوه پا من آن شفتم کند و اگر از این میشه که خط گذره نمیشه بزرگ شد چنان در کتیبه  
مشتمان دیده میشود خط گذره را بقلم زیر با این شیوه میگذرد به طوری که از لا بوجی فراشته ای شد یکزده و این گزنه  
کتیبه به مطلع کاشیکاران (عاد و بچ) نام دارد. نگارنده چندین کتیبه براین روشنگاشت است و چند کتیبه هم با افزون  
ترجمه آمیخت یا حدیث بخلافست میشی کتیبه داده، یعنی با این فرع خطا داشته است که اینکه کتیبه از مشتمان دیده شده  
دلي ساخته است.

۳- اگر کتیبه بخواهد آن سانح اتفاق داشخ بودن آن را کسر رعایت کرده اند. ولی نگارنده راعیه بر ضرورت و لذتمنست  
و کاتب ای پیش کنند بحال هر دفع و محلات را مقسم و موزع نمایند و هر گاه را بجا می خود قرارده و خیال اسکان از  
فرشته و مت آنل تگز خود را می نماید. زیرا کتیبه مطلوب به غصب آنست که از همین ظرف و جهات ملائم طبع و خوش  
ذوق سالم بوده باشد.

۴- پس از اینکه کار پیشتر کتیبه پایان رسیده فوتبت به طراحی و گردانیدن خاتمی در زمین خط مرسک که آن معبده ملائی  
(\*) خود از کامی رکاب گذاشته باشند و این میشه بازگشتن این میشه ایستاده باشند و اینکه اینکه این میشه ایستاده باشند.

و نهادن است . پس از این مرحله کنیسه بر برد و می تهدات کاشی خل پیده شد و دفعه همراه است کی هر تدقیق و درجی  
یا مطلع کاشی کان بخت رنگ . برای جست زنگ احوال خواه کنیته باشد که و بگذار زغال از روزه  
صده خطر ابر و می خشانی کاشی مغلق میکند آنچه بازگش کاشی رومی کرده قلم سکیده اند و اطراف خط را بخوبی شخص می نهاده  
و بعد زنگ است زیرینی کرده بگوشه همیشگی از محل خود خسب گردد .

و طریق هر تدقیق آنست که اول فریبی یا زدنی از کنیسه سکیده و بگذار میکند و هرگز ابر و می خشانی کاشی بیچسب نباشد  
اطراف کاشی را میترسندند تا بدانند آن عرف گفته در آید . پس از آن با شماره گذاری و می خشانی از کنیسه را که روش شنیده  
پسند می خدم می صنعتند و از پشت پکی با سیمان آن میزدند تا گذاری زیرینی پوییسته گردد . وقتی که بر همین زمال به  
نمیتوانی کنیسه آمده و شد مقامی را بخوبی خود و ایصاله اضطراب میگذرد .

۵ - وسائل ایجاد لازم برای کنیسه نویسی عبارت است از : ۱- نیز مخصوص این کار . ۲- پکاری که در سران مذکوب  
یا آنکه در هاد را با رعایت فاصله طلوب کرده زیرینی و مخصوص خود از آنست بزم بند . ۳- قلمهای پاره ای و قلمهای  
فکت . ۴- جوهر یا مرکب کم رنگ . ۵- چند ناخداش (ت) و خفاش منز و مداد پاک کن .

نذکر ، امروز با داشتن کنیسه از نمود عالی و ممتاز ، مشاهده می شود که بر اثر بقیه توبحی کار فرمایان کنیسه بقیه کنیسه  
ریج شده است کنیسه باقی که از سفروم و اچیس بجز شیخ و زنگ است کاشی چند رنگ دارد و نمی شود . و گذشت از غلطهای فکش  
خطی غلطهای اعلانی نیز در اینجا باشد نه این دنباله ای و میعادن تهیه می شود . و چون کنیسه باقی هر دو روش ای از از ایشکوه  
و اجتیه بزرگی آن دره است لازم است مقامات صلاحیتدار از یک گز کنیسه باقی بجهش و بچگانه جو گیری می آورند  
بریزه برای نایابی مضم و در جایی حساس ، تام خراش و بند کان و کنیسه نویسان بقیه مطلع خود سرانشی بقیه تعقیبی  
فرآورده کان مردم نیارده و هنر ایصال را پایمال سودجویی نهادند . و اینکه نموده از احکام کنیسه از ناخداش گذشت

در مکتبه

**وَمِنْ كُلِّ الْجَنَّاتِ هُنَّ مُنْزَهُونَ**



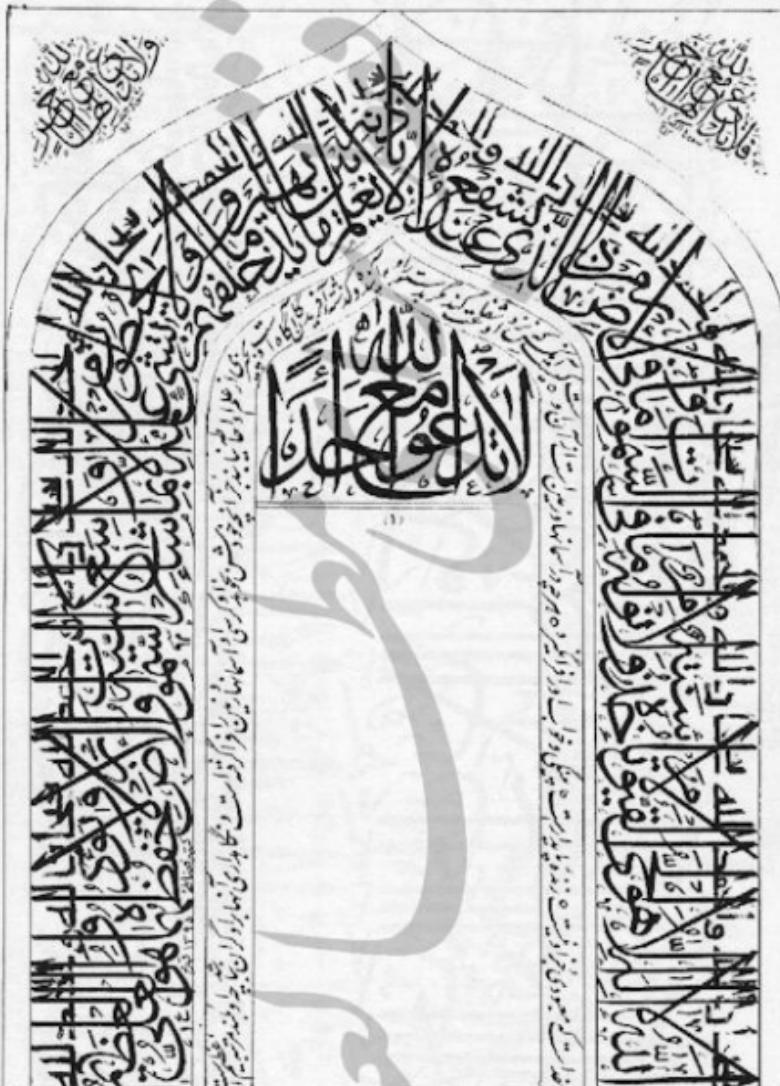
کتابخانه ملی اسلامی  
کتابخانه ملی اسلامی

ایرانی زبان اسلامی

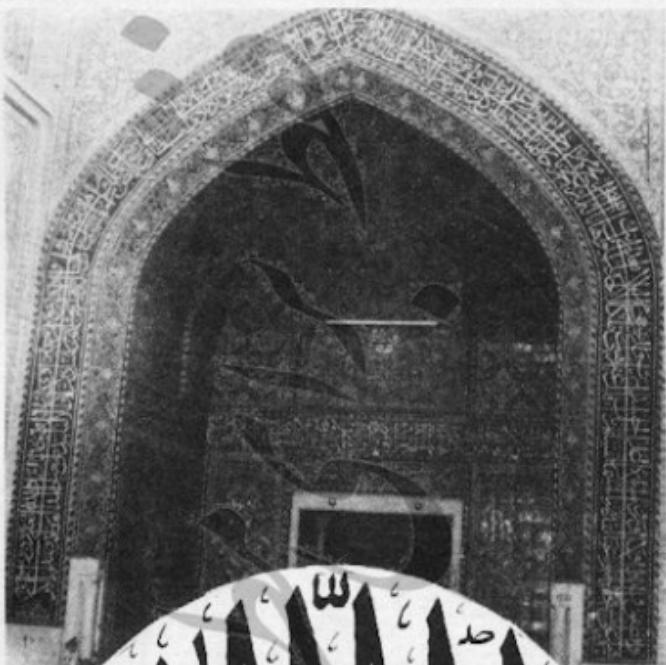
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْمُحَمَّدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ مَعَهُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمَنِ مَعَهُ  
وَرَحْمَةُ الرَّحِيمِ مَعَهُ  
كَلِمَاتُ الْمُحَمَّدِ الْمُطَهَّرِ الْمُسْتَقْدِرِ  
كَلِمَاتُ الْمُحَمَّدِ الْمُطَهَّرِ الْمُسْتَقْدِرِ  
كَلِمَاتُ الْمُحَمَّدِ الْمُطَهَّرِ الْمُسْتَقْدِرِ

۱۴۰۰ شعبان (۱۴) میہر ۱۴۲۰

الْمُحَمَّدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ مَعَهُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمَنِ مَعَهُ  
وَرَحْمَةُ الرَّحِيمِ مَعَهُ  
كَلِمَاتُ الْمُحَمَّدِ الْمُطَهَّرِ الْمُسْتَقْدِرِ  
کَلِمَاتُ الْمُحَمَّدِ الْمُطَهَّرِ الْمُسْتَقْدِرِ



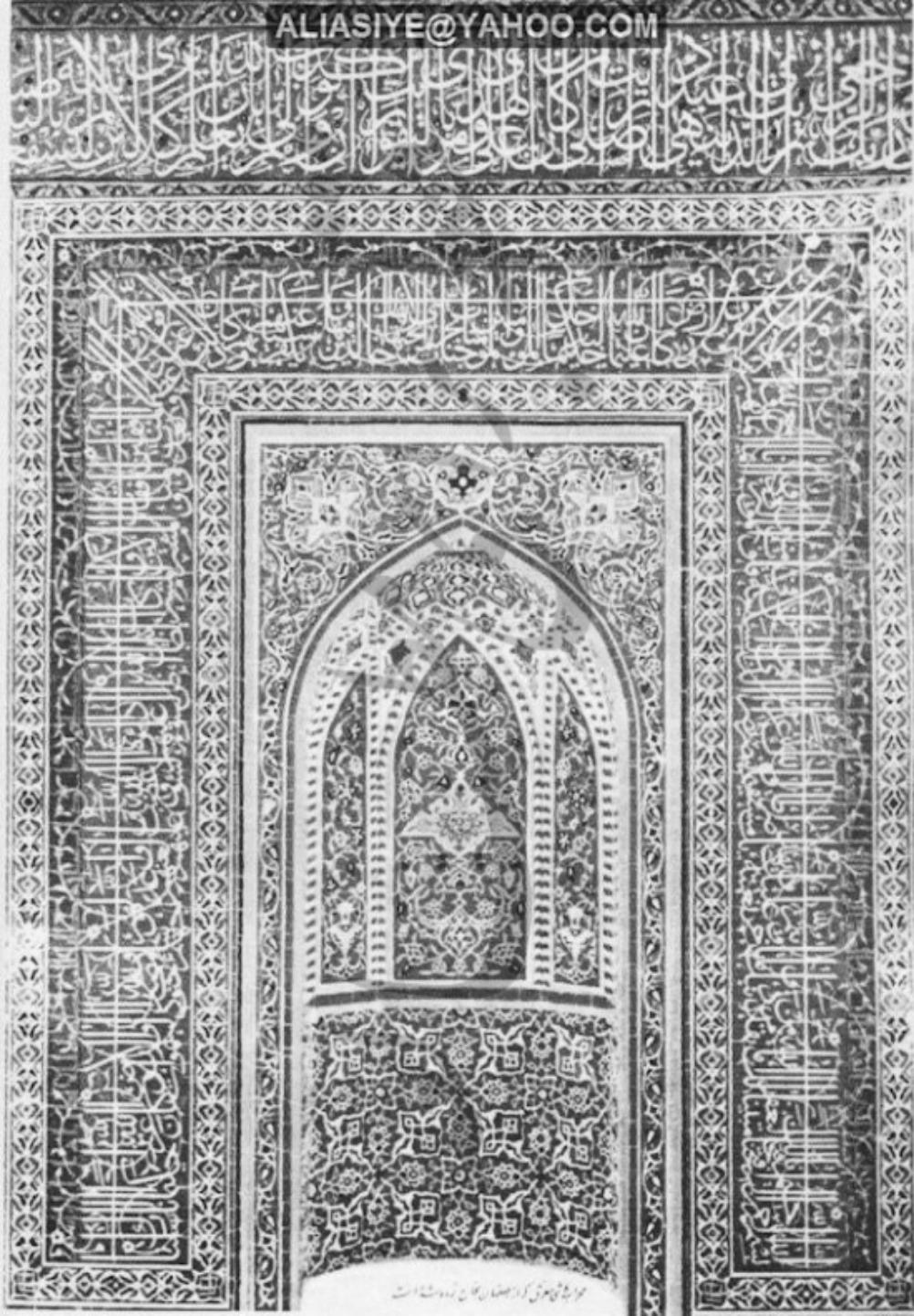
۱۲. تمام آنچه از تاریخ اسلام است که باید در اینجا آمده باشد، اینجا آمده است. میرزا  
تسلیم و خانم این بخوبی را متوافض است. شد و دیف خطاطی خویی، شیخ، شیخیل، در دو کور آن که پیش شده است و آنکه این در دو کوشش بالا (جیوه) و در دو  
حصار بزرگ دیده میشود.



كتبه حرمي مكتبة  
دكتور

١٤٢٥

كتبه حرمي



فَذَرْنَاكُمْ فِي مَسْجِدٍ  
تَقْبِيلِمْ حَطَّ نَسْخٍ (قرآن)

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

رَبِّ الْعِزَّةِ لَا إِلَهَ مِنْهُ

مفردات دانداز آشنا با نقطه و صفره پر خطا :

**ا بیت ن تحق بیت ن فه (بن) ن شن**

که شان

**ب سبیت صن صن ط طاع فت**

که شان

که شان

**د ن بیت بیت بیت بیت بیت بیت**

**ه ه بیت ن بیت بیت بیت بیت بیت**

**بیت بیت بیت بیت**



شکهای اول گرد و ترکیبات دو حرفی آنها در گرد و یا زد و گاز :

۱- گرده (س.ان.بی)

**فو** (فاما سمت زید) من سر عص سط هف مل مل بولله

**مه** (مع معاخر بحر)

**هم** هم (تم بعما نام نهم قدر)

۲- **ذ** (مع ذی تی)

**ذل** (ذلم ثالثی) (رس رس)

۳- گرده (ج)

**تنه** (تحا حد حات حک حل حل احه)

**ته** (ح ت ح حر حس حص حط مع حص حو)

(ح م حم حس حوح حی هے)

**تخته** (حر حم)

۴- گرده (س)

**سه** (ستا س ستد سر ستس سص سط سع سف

سو سک سل سم سم سن سو سلاہ ”

نه ( صح سحر سه نہ سہ سی سے )

نه ( سر )      نہ ( سر )

۴۔ کرو ( من )

صہ چید ( صا ص صد صر صس صص صط

صع صف صو صك صک صل صم صم صن

صو صلا صہ صہ ”

ڑ ( صح ضم ضھ صی صے )

ڑ ( صر )      ڻ ( صر )

۵۔ کرو ( ط )

ٻيط ( طاط طخ طد طر طر طس طط

طع طف طو طو طاک طاک طل طم طم طم

طن طر طو طه طه طی طی ط ط ط )

(۱) ۲۱۔ درین ترکیبات میتوان بین مین و صاد و حرف مابین آن پیش از جای نامه را کشیده و نمود (بندگ، کوش، شمش)۔

۴- گرو (ع)

**تقطیع** (غایق عد عک عل علا عه به)

**تقطیع** (بغ غیغ برع بمر عرس عرص عرص  
عط عع عع عو عو عع عم عع ععن عع عع  
عی ععی ع)

۵- گرو (فتنه)

**هه و فه** (ما ما م خ مد م فر م فس  
فص طع وف مو فك وک فل فس نم من فرو  
وه وه ملا في وته)

۶- گرو (ک ک)

**شیخ** (کلا کل کلا ڈنگا) ک ک ک ک ک ک  
کر کر ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک  
**شیخ** (کا ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک

کس کص کط کع کف کو کد  
کل کم کم کن کو کد کلا

کی

۹- کرود (ل)

بِلَّا (اللَّهُ لَدْ لَرْ لِسْ لِرْ لِصْ لِطْ لِعْ لِفْ لَوْ لَكْ  
لَكْ اللَّمْ الْمَلْ لَنْ لَنْ لَوْ لَهْ لَيَا إِلَى لَيَّ)

بِلَّةُ الْوَذْنَ (لَعْ) **بِلَّةُ اللَّهَ** (قَاعِدٌ بِخُصُوص)

۱۰- کرود (م)

بِلَّهُ بِلَّهُ (بَامْ بَعْ بَعْ مَدْ مَدْ مَزْ مَزْ مَصْ مَصْ  
مَطْ مَعْ مَفْ مَوْ مَكْ مَكْ مَلْ مَلْ مَمْ مَمْ بَوْ  
مَهْ مَهْ مَهْ مَهْ مَهْ مَهْ) **فَمَدْ** (و) ایشکنیم سوسنیش، آنچه در قوایت و داشت بین

۱۱- کرود (و)

بِلَّهُ بِلَّهُ (هَاهْ بَعْ هَادْ هَادْ هَرْ هَرْ هَرْ هَرْ  
هَطْ هَعْ هَفْ هَوْ هَوْ هَكْ هَكْ هَلْ هَلْ هَمْ هَمْ

هن هو هه هه هلا هی هه هے )

شکلہای و سط کلمہ و ترکیبات نہ حرفی و بالا ر آنها :

۱۔ هه ند نه ( سد ندا سعہ کیتی کشمکش کتاب

کشیر

۲۔ خت خت ( مسجد کجنا ملتجی نجی نحر حبت ججہ  
حج سحو حمد

۳۔ سنه ( بسیار خشنود مسبب نشان مستشار میر

۴۔ صد ( نصیب مستضعف مضبوط مصوب منصب

۵۔ ط ( مظہر مظہر مطابیہ مطہر مظہر مطعم مطوع

۶۔ غ ( استعانت استغفار معانی مغنى معادون

۷۔ ه ( نقد تقوی مفید مفت مفتی استیفا

۸۔ ک ک ک ( مکنت مک مکار میکل

مکتب مکبر حکیم حکمت

۹۔ ل ( طلب ملثافت سلام سلیل سینجلی علو

١- سه سه سه ، (محمد اتمت نعمتی  
احد بخل نعمة رجه لعا عاصم مسلوں مسیح  
رحم جید نہیں

٢- نه (الهـم هـم اللـهـم جـهـرـهـنـ هـم اللـهـم الـلـهـم  
نهـ (الـهـم مـهـم اللـهـم جـهـرـهـ سـهـرـ انـهـاـلـهـم  
نهـ (الـلـهـم اـسـهـدـ انـهـاـرـ اـظـهـارـ بـهـارـ سـهـرـاـرـ  
نهـ (الـلـهـم هـم سـامـ حـمـمـ شـكـلـهـایـ آـخـرـهـ کـلـهـ

امـ حـ حـ حـ مدـ رـ سـ سـ صـ  
طـ عـ هـ وـ لـ کـ کـ کـ مـ  
مـ مـ مـ مـ رـ وـ بـ جـ هـ بـ

ذکر: اذار و این شکلها با مفردات یک است

ترین دانمازه کیری بعض کلمات

صخچ ستعنگ سعپنهن بتن هر سعېن هستغلوف

تفنیش تفخض خصیص خلاص مستفیض

قض قط بسط خاضع صاع بینکیف

مستحق تفکل کجشک یکایک ئالبلستل

بکال متمم تیم معنا مغتمم مستهجن سهندیں

یکشنبه تصفیه سیبویه هئیا همو چنان

تجلى تجزی حمر مخد نخد م معظم الشکنیم الکمال

کفال و بل کدیکفیک واکفه کف کافها

ککایل کاربنکل کاتکر کرا کرا کرا کسی

ککل کھم کم کھم کم سخنکم

کھم کم سخنکم کھم کم